

## بازنمایی هویت و غیریت در نخستین سخنرانی رؤسای جمهور پس از انتخابات: مطالعه موردی انتخابات ایران، آمریکا، فرانسه<sup>۱</sup>

سمیه شوکتی مقرب<sup>۲</sup>

جلال رحیمیان<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۶/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۱/۲۷



### چکیده

در یک تحلیل زبان‌شناختی، سطح‌های گوناگون از جمله واژه، جمله، ساختار متنی، ترکیبات، اصطلاحات و موارد مشابه در اندرکنش با یکدیگر بن‌مایه‌ها، اصول اولیه و بافتار یک اندیشه و ایدئولوژی را می‌سازند. ایدئولوژی‌ها و هویت‌های برساخته آن‌ها در پشت واژه‌ها و واحدهای گوناگون زبانی پنهان هستند و باید از آن‌ها رمزگشایی شود. این رمزگشایی در فراگرد توصیف، تحلیل و تبیین متن‌ها به انجام می‌رسد. در واقع، ایدئولوژی به هراندیشه و رهیافتی این امکان را می‌دهد تا مرزهای هویتی و دگرسازانه خود را نسبت به رقبای خویش ترسیم نماید. این جستار در پی پاسخ به پرسش «در نخستین سخنرانی پس از انتخابات رؤسای جمهور جمهوری اسلامی ایران، آمریکا و

<sup>۱</sup> شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2018.16929.1403

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، گروه زبان‌شناسی دانشگاه شیراز (نویسنده)

مسئول؛ s.shokati@shirazu.ac.ir

<sup>۳</sup> دکترای تخصصی زبان‌شناسی، استاد زبان‌شناسی، هیأت علمی دانشگاه شیراز؛ jrahimian@rose.shirazu.ac.ir

فرانسه مرزهای هویتی تولید و بازتولید اقتدار به چه صورتی بازنمایی می‌شود؟»  
تحلیلی در سطوح خرد و کلان را در پیش می‌گیرد. نگارندگان به منظور پاسخ به این پرسش بر این فرض هستند که «کاندیداهای پیروز در انتخابات ریاست جمهوری ایران، فرانسه و امریکا ابتدای سامانه نشانه‌شناختی خویش را بر روی مفصل‌بندی هویت ایجابی حداکثری و تنظیم دایره غیریت حداقلی (شمول‌بیشنه و برون‌رانی کمینه) استوار نموده‌اند». در این نوشتار، نخست، روابط سازه‌های زبانی پیکره مورد بررسی با استفاده از تحلیل دلالت صریح و ضمنی و حضور و غیاب واکاوی می‌شود. سپس مؤلفه‌های خود و دیگری، غیریت‌سازی، چگونگی برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی و منطق تفاوت و زنجیره هم‌ارزی هر کدام از گفتمان‌های مورد بررسی تبیین می‌گردد. تجزیه و تحلیل داده‌ها بیانگر آن است که زنجیره هم‌ارزی و هویت‌ساز روحانی آشکارا تبیین می‌شود و حاشیه‌رانی دگرهای منفی این گفتمان به صورتی ضمنی انجام می‌گیرد. دگرهای گفتمانی ترامپ و مکرون نیز به صورت ضمنی بیان می‌شود، اما زنجیره هم‌ارزی دال بر گفتمان‌های هم‌سوی آن‌ها ترسیم آشکاری ندارد.

**واژه‌های کلیدی:** تحلیل گفتمان انتقادی، خود و دیگری، برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی، نخستین سخنرانی انتخابات ریاست جمهوری ایران/ آمریکا/ فرانسه

## ۱. مقدمه

در جریان انتخابات سیاسی، ساخت قدرت و بافتار اجتماعی در اندرکنش با یک‌دیگر قرار می‌گیرند. در این عرصه، نخبگان سیاسی می‌کوشند گفتمان خود را به گونه‌ای در ارتباط با جامعه مطرح نمایند که بتواند فراچنگ آوری رأی‌های برآمده از صندوق‌ها را برای آنان تضمین نماید. در این زمینه تلاش می‌گردد ضمن مشروعیت‌بخشی به ایدئولوژی خودی، از گفتمان رقیب اعتبارزدایی شود. افزون بر آن چه پیش از برپایی فرایند رأی‌گیری از سوی رقباتی انتخاباتی عرضه می‌شود، آغازین روزهای پس از برپایی انتخابات شاهد رویکردهای قابل توجهی از سوی منتخبان است. آن‌چه در این هنگامه از سوی رئیس جمهور منتخب شنیده می‌شود، رفتاری عموماً دربردارنده، نسبت به جریان‌های گوناگون در جهت همراه کردن همه جناح‌ها، گروه‌ها و افراد است؛ در این برهه، دگرسازی‌ها در قالب گفتمان پنهان شکل می‌گیرد.

در طول یک سال گذشته (۲۰۱۶-۲۰۱۷) سه انتخابات ریاست جمهوری در ایران، ایالات متحده آمریکا و فرانسه برپا شد. انتخابات ریاست جمهوری ایران در تاریخ ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۶ برگزار و حسن روحانی برای بار دوم رئیس جمهور شد. دونالد ترامپ جمهوری‌خواه در رقابت

انتخاباتی خود با هیلاری کلینتون، ۸ نوامبر ۲۰۱۶ (۱۸ آبان ۱۳۹۵) کاخ سفید را به دست آورد. امانوئل مکرون، سوسیال دموکرات، از حزب «جمهوری به پیش»<sup>۱</sup> در ائتلاف با حزب میانه‌رو «مودم»<sup>۲</sup> توانست دور دوم انتخابات ریاست جمهوری این کشور را در تاریخ ۷ می ۲۰۱۷ (۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۶) از آن خود کند. نگارندگان با در نظر گرفتن شرایط بافت‌وابسته این سه گفتمان در پی آن اند تا به بررسی چگونگی هویت‌سازی، خویش‌نمایی، دگرسازی و بازنمایی ویژگی‌های خود و دیگری در گفتمان این سه رئیس‌جمهور پردازند. در این پژوهش، این فرضیه وجود دارد که «این سه رئیس‌جمهور در نخستین سخنرانی پس از انتخاب خود به دنبال همراه کردن عموم گروه‌ها و احزاب هستند. آن‌ها بدون در نظر گرفتن نگاه‌های جناحی، در پی پاسخ به خواسته‌هایی هستند که بیش از آنکه صورت حزب و جناحی به خود بگیرد، شکلی مبتنی بر منافع همگانی (منافع ملی) دارد».

جستار پیش رو در قالب تحلیلی چندسطحی صورت می‌گیرد. در سطح نخست، بناسازی ابزارهای تحلیل متن در چارچوب مفاهیمی هم‌چون حضور و غیاب و دلالت صریح و ضمنی در دستور کار است. البته این نکته مورد توجه بوده است که افرادی هم‌چون فرکلاف (Fairclough, 1992) به دو رده هم‌پوشان و مکمل تحلیل زبان‌شناسانه (سطح خرد) و بینامتنی (سطح کلان) اعتقاد دارند. در این پژوهش، با توجه به کیفیت و استلزامات موضوع و فرضیه جستار، هر دوی این سطوح در سطح خرد (سازوکارهای زبانی) تعریف شده است. در رده کلان نیز بر پایه خوانش گفتمانی لاکلا و موف (Laclau & Mouffe, 2001)، خودی و دگرسازی‌ها، خصومت‌سازی‌ها، غیریت‌سازی، زنجیره هم‌ارزی و منطق تفاوت و موارد مشابه مورد توجه قرار می‌گیرد. پژوهش‌های میان‌رشته‌ای از جنس جستار حاضر، به واسطه رویکرد چندروشی و پایه‌ریزی بر پایه رویکردی خرد-کلان‌نگر، می‌تواند زمینه مناسبی برای فهم روندها، فرایندها و ساختارهای زبان‌شناختی مؤثر در فرایند سیاست‌ورزی و به ویژه عرصه انتخاباتی فراهم آورد. به نظر می‌رسد عرصه انتخابات‌ها، صحنه آورد گفتمان‌ها و بستری است که در جریان آن قدرت و هژمونی در رویکردی مسالمت‌آمیز دست به دست می‌شود. بنابراین فهم کیفیت و چرایی برتری یا ناکامی ایدئولوژی‌های گوناگون در این عرصه می‌تواند برای دست‌اندرکارانش بسیار مهم و جدی باشد. انتخابات و به شکلی ویژه سخنرانی‌های پس از انتخابات، موضوع پژوهش‌های بسیاری بوده است. هر یک از این جستارها با نگاهی به یکی از جنبه‌های سیاسی، زبان‌شناختی، اجتماعی و موارد مشابه آن‌ها را مورد تحلیل قرار داده‌اند. یکی از پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام

<sup>1</sup> En marche

<sup>2</sup> MoDem

شده است کتاب ایان رندل ستروک (Strock, 2017) است. او به گردآوری تمام سخنرانی‌های پس از انتخابات ایالات متحده پرداخته است. وی انتخابات را تحلیل کرده و اطلاعاتی درباره آئین سخنرانی پس از انتخابات آن دوره ارائه می‌کند. پژوهش دیگر با تمرکز بر ایران را رحمان صحراگرد و میثم مقدم (Sahragard & Moghadam, 2015) انجام داده‌اند. آن‌ها با بررسی سخنرانی پس از انتخابات ریاست جمهوری روحانی پس از تنفیذ رهبری، از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی ایدئولوژی نهفته در این سخنرانی را واکاوی کردند. آن‌ها بر آن بودند تا دریابند که گفتمان روحانی به کدام گفتمان، اصلاح طلب یا اصول‌گرا تعلق دارد.

کوزوهون و کوکپوزی (Koussouhon & Koukpossi, 2013) نیز با بررسی سخنرانی پس از انتخابات فرانسوا اولاند<sup>۱</sup> با کاربرد زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌مند بر فرایندهای مادی، رابطه‌ای و ذهنی و همین‌طور مشارکین در گفتار تمرکز کرده و نشان دادند که فرایندهای این گفتار مادی است. همچنین، فانگ لیو (Liu, 2012) با تحلیل ژانر سخنرانی پس از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، پیکره‌ای متشکل از تمام سخنرانی‌های انتخاباتی صورت گرفته در ایالات متحده را مورد بررسی قرار داده است. این پیکره از ریاست جمهوری واشنگتن آغاز شده و تا اوپاما ادامه داشته است.

## ۲. چارچوب نظری

### ۲.۱. سطح خرد؛ روابط سازه‌های زبانی

در این بخش، روابط سازه‌های زبانی با استفاده از تحلیل دلالت صریح و ضمنی و حضور و غیاب شناسایی می‌شود. ابزارهای پیش‌گفته بر مبنای موضوع رویکرد تحلیلی این جستار، متن زبانی، بررسی ابزارهای دیگری هم چون ابزار سه سطحی (واژه، جمله، متن) فرکلان (Fairclough, 1992)، تجربه تحلیل متن‌هایی با این صورت ساختاری و مواردی از این گونه انتخاب شد. با چنین تحلیلی، امکان شناخت چگونگی هویت‌یابی و تبیین هویت هریک از سه گفتمان مورد بررسی فراچنگ می‌آید. به دیگر سخن، تحلیل روابط سازه‌های زبانی به خدمت نظریه گفتمان در می‌آید تا تحلیل زبانی در سطح کلان را ممکن سازد.

### ۲.۱.۱. دلالت صریح و دلالت ضمنی

بارت<sup>۲</sup> در این زمینه دو دسته‌بندی دارد؛ یکی معنای بیانی که شامل واژه‌های انتخاب شده و به کار رفته است و دیگری محتوا که معنای تحت‌اللفظی جمله است (Barthes, 1977, p. 89-90). معنای

<sup>۱</sup> François Hollande

<sup>۲</sup> Roland Barthes

ضمنی از سوی دیگر، با گذار از معنای بیانی و محتوا به دست می‌آید. این معنا، همانا معنای سطح دوم است و معناداری جمله را می‌سازد. به باور آلن (Allen, 2011) «نظام تصریحی نظامی است که معنای بیانی آن نیز به خودی خود از نظام دلالت شکل یافته‌است» (Allen, 2011, p. 51). برای نمونه، روحانی در بخشی از سخنان خود می‌گوید «مردم عزیز ایران، انتخابات صحنه تصمیم‌گیری و روشی مردم‌سالارانه برای حل مسالمت‌آمیز اختلاف نظرهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بر پایه رأی مردم است، نه آغازی برای توسعه و تداوم و عمیق‌تر کردن آن‌ها». مردم‌سالاری و مسالمت‌جویی و دوری از اختلاف نظرهای مبتنی بر انتخابات امری است که به صورتی آشکار بر آن‌ها دلالت می‌شود. از سوی دیگر، با این بیان که «نه آغازی برای توسعه...» به صورت ضمنی بر روش‌های رویکردهای رقیبی دلالت می‌شود که در این نگاه به دنبال تداوم اختلاف نظرهای عرصه‌های گوناگون هستند.

## ۲.۱.۲. حضور و غیاب

در این نوشتار، برداشت ژاک دریدا از مفاهیم حضور و غیاب مورد توجه و استناد بوده‌است. از دیدگاه دریدا (Derrida, 1978) «بازی همیشه بازی حضور و غیاب است، اما اگر ریشه‌ای‌تر بیندیشیم، بازی را باید پیش از انشقاق حضور و غیاب فهمید» (Derrida, 1978, p. 369). از سوی دیگر، بنینگتون و دریدا (Bennington & Derrida, 1999) حضور و غیاب را این‌گونه تبیین می‌کنند که «اگر هر عنصری از یک سیستم هویت خود را در تفاوتش با دیگر عناصر بیابد، هر مؤلفه‌ای در این صورت با عنصری نشان‌دار می‌شود که در واقع نیست؛ این عنصر رد آن عناصر را با خود حمل می‌کند» (Bennington & Derrida, 1999, p. 75). برای نمونه، مکرون با این گفته که «فرانسوی‌ها امید و پیروزی را انتخاب کردند» غیاب امید و پیروزی را مورد تأکید قرار می‌دهد. وی همچنین بر آن است تا به صورت ضمنی به این امر اشاره کند که در این برهه امید و پیروزی عنصر غایبی در میان فرانسویان بوده و اکنون حضور آن فعال شده‌است.

## ۲.۲. سطح کلان؛ تحلیل گفتمان (انتقادی)

«مفهوم گفتمان که برگرفته از فوکو می‌باشد، در تعریف لاکلا و موف (Laclau & Mouffe, 2001) به عنوان کلیتی ساختاری از تفاوت‌ها تعریف شده‌است. هنگامی که فردی در نتیجه کناکش مفصل‌واری، توانایی پیکربندی نظام موقعیت‌های کاملاً متفاوت را به دست آورد، این نظام موقعیت‌های متفاوت گفتمان نامیده می‌شود» (Rezaeipanah & Shokati Moqarab, 2016, p. 59). این تعریف از دیدگاه فرکلاف (Fairclough, 1992) نیز این‌گونه بیان می‌گردد که

«گفتمان در مفهومی انتزاعی به مثابه مقوله‌ای است که عناصر گسترده نشانه‌شناختی (در تضاد و ارتباط با دیگر عناصر غیرنشانه‌شناختی) زندگی اجتماعی (زبان و همچنین نشانگی دیداری، «زبان بدن» و غیره) را تعیین می‌کند» (Rezaeipanah & Shokati Moqarab, 2017, p. 41). همچنین، هارت (Hart, 2011) نیز بر این باور است که «مطالعات انتقادی گفتمان اساساً با ارتباطات و ساخت گفتمانی اجتماع از جمله اغوای سیاسی، دانشی و همین‌طور زبان‌شناختی سروکار دارد» (Hart, 2011, p. 1).

از دیدگاه لاکلا و موف (Laclau & Mouffe, 2014) «ساختار گفتمانی صرفاً یک موجودیت شناختی یا اندیشگی نیست، بلکه کردار مفصل‌بندی‌کننده‌ای است که روابط اجتماعی را ساخته و سازمان‌دهی می‌کند» (Laclau & Mouffe, 2014, p. 82). همچنین هرزوگ (Herzog, 2016) می‌نویسد «این کردارهای مرتبط با مفصل‌بندی به منابع مادی و نمادین برای مفصل‌بندی (یا تولید گفتمان) نیاز دارند. در این مفصل‌بندی می‌توانیم روابط قدرت، هنجارهای اجتماعی سرکوب‌گر و رهایی‌بخش را ببینیم» (Herzog, 2016, p. 74). با کاربست این خوانش ترکیبی از تحلیل گفتمان (انتقادی) می‌توان زبان را به گونه‌ای گویا و پویا در بافتار سیاسی-اجتماعی (در این پژوهش در قالب سخنرانی‌های پس از انتخابات) مورد بررسی قرار داد. مفهوم‌سازی و شاخص‌سازی برآمده از تحلیل گفتمان (انتقادی) می‌تواند مفسر خوبی برای روندهای خرد و کلان عرصه زیست سیاسی-اجتماعی یک واحد خاصه در بزنگاه‌های آن باشد.

## ۲.۲.۱. خود (هویت) و دیگری

گفت‌وگو پیرامون مرزبندی‌های هویتی، کانون توجه بسیاری از نظریه‌پردازان و صاحب‌نظران حوزه علوم انسانی و به‌ویژه زبان‌شناسی (و به‌طور ویژه اصحاب نظریه گفتمان) بوده است. «خود یا هویت در ساده‌ترین تعریف، معنا و برداشتی است که هر گفتمان از خود دارد. خود در نسبت مستقیم با نشانه مرکزی و چگونگی مفصل‌بندی دیگر نشانه‌ها و معانی به گرد آن می‌باشد» (Tajik, 2004, p. 78).

## ۲.۲.۲. برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی

«گفتمان سیاسی حاکم بر اساس ایدئولوژی و هویت‌های بازتعریف‌شده، خود را از دیگری متمایز می‌سازد و سعی می‌کند با استفاده از ابزارهای برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی به قدرت خود مشروعیت بدهد و جلوه‌ای موجه به آن بخشد» (Asadi & Sasani, 2017, p. 16). ساز و کارهای برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی که به گونه‌های گوناگون بر کنش و واکنش میان گفتمان‌ها تاثیر

می‌گذارد، یکی از ابعاد خصومت‌سازی است. «ابتکار اجتماعی-نشانه‌شناختی در زمینه طبقه‌بندی‌ها را توسعه می‌دهد و بر این موارد تمرکز دارد که این طبقه‌ها چگونه به شکل زبانی تولید و مفاهیم اجتماعی خود را تحلیل می‌کنند» (Van Leeuwen, 1996, p. 43-44). یکی از مصداق‌های این ساز و کار در پیکره مورد بررسی این است که ترامپ به شکلی پیوسته هم دگرهای خود را به حاشیه می‌راند و هم خود را برجسته‌سازی می‌کند «باید از مرزهای خود و از کارخانجات خود که کشورهای دیگر آن‌ها را از ما می‌ربایند حراست کنیم». ترامپ خود را به شکلی مثبت برجسته‌سازی می‌کند که هدف او پاسداری از مرزهاست. وی از سوی دیگر با دلالت ضمنی بر غیاب این امر در گفتمان رقیب و پیشین، آن گفتمان را به حاشیه می‌راند.

### ۲.۲.۳. منطق تفاوت و زنجیره هم‌ارزی

«منطق تفاوت و زنجیره هم‌ارزی همانند شمشیر دولبه هستند... منطق تفاوت بر اختلافات و زمینه‌های موجود میان نیروهای اجتماعی تأکید می‌کند و در برابر آن زنجیره هم‌ارزی، در تلاش است تا از راه مفصل‌بندی بخشی از این نیروها، تمایز میان آن‌ها را کاهش داده، آنان را در برابر یک دگر همبسته نماید» (Asadi & Rezaeiapanah, 2013, p. 6). «زنجیره هم‌ارزی، منطق ساده‌سازی فضای سیاسی است، در حالی که منطق تفاوت، در حال افزودن و گسترش پیچیدگی‌های آن است» (Laclau & Mouffe, 2001, p. 131). چگونگی نمایان‌شدن این منطق‌ها و زنجیره‌ها در هر یک از گفتمان‌ها در تحلیل داده‌ها تبیین می‌گردد.

### ۲.۲.۴. غیریت‌سازی

در هیچ بافتی نمی‌توان افراد را جدای از مناسبات و پیوندشان با دگرهای‌شان در نظر گرفت؛ در واقع، این دگرها هستند که یکی از پله‌های بازنمایی خود را صورت می‌بخشند. نوریس (Norris, 2011) هویت را به عنوان فرایند می‌بیند نه یک وجود؛ هویت را به گونه‌ای در نظر می‌گیرد که همواره در حال پیشرفت است و ثابت نیست (Norris, 2011, p. 31). از سوی دیگر، موف (Mouffe, 2000) به روابط ما/ آن‌ها و نقش خصومت‌سازشان اشاره کرده، می‌نویسد: «آن‌ها» تضاد ترکیب‌کننده یک «ما»ی آشکار نیست بلکه نماد چیزی است که هر کدام از «ما» را غیرممکن می‌سازد (Mouffe, 2000, p. 13). همان‌گونه که در تحلیل داده‌ها دیده می‌شود، هریک از گفتمان‌ها دگرسازی‌هایی دارد که برجسته‌ترین آن‌ها با گفتمان‌های پیشین است. این امر در سطح‌های گوناگون بازنمایی می‌شود که به طور گسترده‌ای، تبیین خواهد شد.

### ۳. تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این نوشتار، نخستین سخنرانی پس از انتخابات ریاست جمهوری ایران، ایالات متحده آمریکا و فرانسه واکاوی می‌شود. داده‌ها در دو سطح خرد و کلان کلامی تحلیل می‌شود. در سطح خرد، به واکاوی داده‌های موجود با استفاده از ابزارهایی هم‌چون حضور و غیاب و دلالت صریح و ضمنی پرداخته می‌شود. در سطح کلان، با کاربست رهیافت گفتمانی لاکلا و موف و بر مبنای برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی، خود و دیگری، غیریت‌سازی (دگرسازی) و منطق تفاوت و زنجیره هم‌ارزی داده‌کاوی صورت می‌گیرد.

#### ۳.۱. حسن روحانی

حسن روحانی (Rouhani, 2017)، نخستین سخنرانی رسمی خود پس از انتخابات ریاست جمهوری را در نشستی رسانه‌ای ایراد کرد. سخنان او با این گفته آغاز می‌شود که «در انتخابات روز گذشته مردم به همه آن‌ها که ما را به بازگشت به گذشته یا توقف در شرایط فعلی می‌خواندند، نه گفتند» (Rouhani, 2017). این گفته‌ها با رویکردهایی دگرسازی می‌کند که در این کارزار انتخاباتی، رقیب به شمار می‌رفتند. استفاده از ضمیر جمع «ما» و قرار گرفتن گروه مثبت خود در برابر دگرهایی که برنامه‌های سیاستی ناخوشایندی در دید گفتمان چیره‌شده داشتند، به صورت ضمنی مورد اشاره واقع می‌شود.

روحانی (Rouhani, 2017) که بار دیگر به جایگاه ریاست جمهوری دست می‌یابد، این بار دگر گفتمانی خود را از میان رقبای انتخاباتی‌اش برمی‌گزیند؛ او می‌گوید: «بیش از ۴۱ میلیون رأی شما تاریخ کشور را از توقف و تردید به درآورد و ایران را در تداوم راه توسعه و ترقی خویش قرار داد» (Rouhani, 2017). این گفته بر این امر دلالت دارد که توقف و تردید عناصری است که دگرها به ارمغان می‌آوردند. این گفتمان بر آن است تا راه توسعه‌ای که در چهارسال گذشته آغاز کرده‌است را تداوم بخشد. رقبای این انتخابات به صورتی غیریت‌سازی می‌شوند که در ظرف زمان در صورت انتخاب شدن عقب‌گرد خواهند داشت «شما دیروز به همه آن‌ها که ما را به بازگشت به گذشته یا توقف در شرایط فعلی می‌خواندند، نه گفتید و زمانه را به جلو بردید» (Rouhani, 2017). جلو بردن زمانه دلالتی ضمنی بر ادامه دادن راهی دارد که روحانی آغازگر آن بوده‌است. روحانی در طول سخنان خود هشت بار از ضمیر جمع «ما» و شناسه‌های وابسته آن و ۲۰ بار از ضمیر «شما» و شناسه‌های آن استفاده می‌کند. این امر نشان‌گر آن است که او بیش از توجه به القای حس همراهی، بر آن است تا حس نزدیکی و دوستی را در مخاطبانش برانگیزد. در واقع، «شما» در جهت بازنمایی کنش‌گرانه مردمانی دارد که در این انتخابات شرکت کرده‌اند.



روحانی در قالب‌های ضمیر مفرد «من»، شناسه‌های مفرد و خطاب به خود از جمله این‌جانب، رئیس‌جمهور شما و مواردی از این‌گونه، ۳۰ بار خود را فقط بازیگر این عرصه معرفی می‌کند یا اشاره به خود دارد. او می‌گوید «من امیدوارم و کیل شایسته‌ای برای نمایندگی مطالبات شما مردم عزیز ایران باشم (Rouhani, 2017)». در این گفته، وکیل به صورت ضمنی در برابر قاضی قرار می‌گیرد، این دلالت با این گفته روحانی پیوند بینامتنی برقرار می‌کند که «مردم باید بین قاضی و وکیل انتخاب کنند. قاضی حکم صادر می‌کند و حکمش را ابلاغ می‌کند. وکیل از مردم دفاع می‌کند». بازنمایی مردم به صورت گروهی یک پارچه در این گفته دیده می‌شود که «شما با این رأی نشان دادید که ملتی یکپارچه هستید که با وجود قطب‌بندی‌های سیاسی هیچ‌کس نمی‌تواند شما را به ورطه نزاع‌های بیهوده طبقاتی، قومیتی، فرقه‌ای، قبیله‌ای، شهری یا روستایی بکشاند. رأی منسجم شما در همه مناطق کشور نشان داد که یک ملت هستید، یک دولت دارید و یک رئیس‌جمهور می‌خواهید که رئیس‌جمهور و صدالبته خادم همه مردم باشد (Rouhani, 2017)». این انسجام با خطاب قراردادن مخاطبان در قالب القابی از جمله مردم، ایرانیان و ملت‌ما و تکرار ۱۶ باره آن‌ها بازنمایی می‌شود. این گفته روحانی، با رویکرد رقیبی دگرسازی می‌کند که بر وجود دو گروه چهار درصد و ۹۶ درصد در سطح جامعه تأکید داشته‌است؛ رویکرد رقیب در بیان روحانی به صورتی ضمنی بر تفرقه‌افکنی و از میان برداشتن انسجام دلالت دارد. تأکید بر وحدت و انسجام به صورتی صریح برجسته‌سازی می‌شود.

روحانی (Rouhani, 2017)، اقشار گوناگون را با خود همراه می‌کند:

درودم بر همه جوانان، دختران، پسران و مردان و زنان، شهری و روستایی، فارس، ترک، لر، بلوچ، کرد و عرب، ترکمن، گیلک، مازنی و سیستانی، در سرزمین پرستاره ایران. درود بر معلمان غیرت‌مند که بر تندباد سیاه تهمت خروشدند. درود بر دانشجویان، هنرمندان، اصحاب رسانه، ورزشکاران، کارآفرینان، کشاورزان، صنعت‌گران، کارگران و کارمندی که با ایجاد موج خروشان بی‌نظیر به استقبال دولت دوازدهم شتافتند (Rouhani, 2017).

روحانی افزون بر همراه کردن گروه‌های مختلف، معلمان را به‌شکلی ویژه خطاب سخنان خود قرار می‌دهد تا به رویدادهایی از سوی رویکردهای رقیب اشاره کند که در جریان رقابت‌های انتخاباتی نسبت به این قشر رخ داده‌است.

روحانی (Rouhani, 2017)، بار دیگر نقش کنش‌گرانه مردم را برجسته ساخته، بیان می‌کند «ملت بزرگ ایران پیروز اصلی این انتخابات شما ملت بزرگ هستید (Rouhani, 2017)». او همچنین با اشاره به ارزش‌ها و آرمان‌هایی هم‌چون جمهوریت، اسلامیت، آزادی، استقلال و

حاکمیت ملی خود را تقویت کننده آن‌ها بازنمایی می‌کند «پیروز انتخابات جمهوری و اسلامیت است. پیروز انتخابات آزادی و استقلال است. پیروز انتخابات حاکمیت ملی است، این پیروزی، پیروزی صلح و آشتی بر تنش و خشونت بود. این پیروزی، پیروزی وحدت و انسجام ملی بر انشقاق و چنددستگی بود (Rouhani, 2017)». گفتمان روحانی، به صورت ضمنی با رویکردهایی دگرسازی می‌کند که تنش، خشونت، انشقاق و چنددستگی را به بار می‌آورند. او با این گفته، دگرسازانه خود ویژگی‌های مثبت خود از جمله صلح‌خواهی و دوری از تفرقه را در برابر ویژگی‌های منفی دگرهایی قرار می‌دهد که با تنش آفرینی و تفرقه‌افکنی توصیف می‌شوند.

زنجیره هم‌ارزی روحانی با درود به مقام معظم رهبری تقویت می‌شود «سلام و درودم بر رهبری فرهیخته انقلاب اسلامی که حکیمانه و مشوقانه امواج پرتلاطم انتخابات را آن‌چنان به ساحل آرامش هدایت کردند که شور و هیجان رقابت‌های انتخاباتی در نهایت به صندوق عزت، استقلال و اقتدار ملت هدایت شد (Rouhani, 2017)». این گفته، بر نقش فعال رهبر در جریان هدایت انتخابات تأکید دارد. سطح دیگر، این زنجیره قرارگرفتن در کنار مرجع‌های تقلید، دانشگاهیان و دیگر گروه‌های جامعه است «سپاس این فرزند کوچک ملت و این فرزند حوزه و دانشگاه ارزانی مقام معظم رهبری، مراجع عظام تقلید، اساتید، فرهنگیان، هنرمندان، حقوقدانان، ورزشکاران و همه اقشار ملت (Rouhani, 2017)». «فرزند کوچک ملت» روحانی عضو کوچکی از این کشور معرفی می‌شود و چنین بیانی بر این دلالت دارد که او نیز از جنبه‌های مختلف هم‌سطح دیگر مردمان کشور است و نگاه فرادستی وجود ندارد. «فرزند حوزه و دانشگاه» هم بر تخصص‌های حوزوی روحانی دلالت دارد و هم دانشگاهی. همان‌گونه که فرزندان در خانواده تحت حمایت دیگر اعضا پیشرفت می‌کنند روحانی نیز خود را در این قالب خانواده قرار می‌دهد تا بیان کند هرآن‌چه در حال حاضر به دست آمده برآیند حمایت‌های مقام معظم رهبری، مراجع، اساتید و گروه‌ها و اقشار مختلف جامعه است. او در واقع، به صورت ضمنی بیان می‌کند هرآن‌چه اکنون محقق شده نتیجه راهنمایی و یاری کل کشور است نه یک فرد به تنهایی. زنجیره هم‌ارزی روحانی از بالاترین مقام کشور و مراجع آغاز شده و به کل مردم کشور گسترش می‌یابد تا همه را در بر بگیرد.

روحانی از سطح کلی گروه‌هایی که در زنجیره هم‌ارزی او قرار دارند فراتر رفته، به صورتی آشکار افرادی از جمله مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، سیدمحمد خاتمی، سیدحسن خمینی، علی‌اکبر ناطق نوری و اسحاق جهانگیری را در گروه مثبت خود جای داده است. روحانی، این افراد را در زنجیره هم‌ارزی خود قرار می‌دهد و سپس خانواده شهدا و طبقه‌های سیاسی را در این

زنجیره با خود همراه می‌کند. وی در آخرین مرحله به فعالان فضای مجازی می‌رسد «جا دارد یاد کنم از مرد اعتدال و سازندگی مرحوم آیت‌الله هاشمی رفسنجانی که واقعاً جای ایشان در این صبح پیروزی خالی است. همچنین از برادر گرامی ام سید محمد خاتمی، از خاندان امام راحل و یادگارش سید حسن خمینی، از علی‌اکبر ناطق نوری، از برادر ام اسحاق جهانگیری و همه خاندان عزیز شهدا به ویژه شهید مطهری و شهید بهشتی و از همه فعالان سیاسی، همه نمایندگان مجلس شورای اسلامی به ویژه ریاست محترم مجلس، همه احزاب و ستادها و به ویژه فعالان فضای مجازی که توانستند این امواج خروشان پر معنا را به اعماق جامعه بگسترانند و عظمت حضور را بیافرینند». روحانی در مقام کسی که اکنون جایگاه دوم کشور را در اختیار دارد، در قالب جمله‌ای دستوری بیان می‌کند «مردم ما در این انتخابات با درک نظرهای گوناگون راه آینده خود را انتخاب کردند و همه باید به خواست و تصمیم مردم احترام بگذارند (Rouhani, 2017)». در یک سو، مردمی قرار دارند که به این گفتمان رأی داده و در سوی دیگر، گروه رقیبی دیده می‌شود که باید این انتخاب را بپذیرد.

او در بخش دیگری، می‌گوید «امروز انتخابات پایان یافته و من رئیس‌جمهور همه ملت ایران هستم و نیازمند کمک تک تک مردم ایران، حتی کسانی هستم که مخالف من و سیاست‌های من بودند. من دست یاری و دوستی خود را صمیمانه به سوی همه مردم ایران، همه جناح‌ها، همه احزاب و اقشار مختلف مردم دراز می‌کنم (Rouhani, 2017)». «امروز انتخابات پایان یافته و من رئیس‌جمهور همه ملت ایران هستم (Rouhani, 2017)» به صورت ضمنی بر این دلالت دارد که رقبا باید از ادامه رفتارهای انتخاباتی خود دست کشیده و نتیجه این انتخاب را بپذیرند. نگاه دیگر این گفته همراه کردن همه افراد از جمله گروه‌هایی است که این گفتمان را نمی‌پسندند. روحانی قانون‌مداری و توجه به موازین دینی را با این گفته بازنمایی می‌کند که «من طبق قاعده مردم‌سالاری و حکم قانون به مخالفان خود هم احترام می‌گذارم و حق آن‌ها را برای انتقاد از دولت پاس می‌دارم. مردم‌سالاری دینی یعنی همین، اسلام رحمانی یعنی همین (Rouhani, 2017)». در این گفتمان، هم حقوق شهروندی به عنوان یک ارزش بیان می‌شود و هم همگان امکان نقد از دولت را دارند. این گفته به صورت ضمنی بر اهمیت آزادی و مردم‌سالاری تأکید دارد.

روحانی، مفاهیمی هم‌چون امنیت منطقه‌ای، دموکراسی و مردم‌سالاری و تکیه بر قدرت داخلی را به صورت صریح مورد تأکید قرار می‌دهد.

انتخابات ما به همسایگان و منطقه اعلام کرد که راه تأمین امنیت در این منطقه، تقویت دموکراسی و مردم‌سالاری و احترام به آرای مردم است و نه تکیه بر قدرت‌های خارجی. ما به

نیروهای مسلح قهرمانانمان در ارتش، سپاه و بسیج و نیروی انتظامی افتخار می‌کنیم و تداوم اقتدار آن‌ها را ضامن صلح و ثبات در منطقه و امنیت و آسایش مردم خود می‌دانیم (Rouhani, 2017).

اینک که رئیس‌جمهور برگزیده شما با کوله‌باری از تجربه دولت یازدهم و با چشم‌اندازی روشن و امیدبخش و با روحیه‌ای تازه و شاداب و لبریز از عشق و محبت به تمامی ایرانیان از شما ماموریت یافته تا با درس‌آموزی از تجربه گذشته و با شتابی افسون‌تر و یارانی پرتلاش‌تر کار خود را آغاز کند بیش از گذشته دست‌نیاز به سوی شما دراز می‌کند در این راه پرمشقت اما پرافتخار از خداوند می‌خواهم تا یک دل و یکپارچه و با عزمی راسخ و استوار دست به دست هم داده و برای ساختن ایران عزیز با اراده مستحکم و امیدی پرنشاط به پیش برویم (Rouhani, 2017).

گام پسین روحانی، برجسته‌سازی ویژگی‌های مثبت خود است. استفاده از پاره‌گفته «کوله‌باری از تجربه» به صورت ضمنی ذهن مخاطب را به سمت و سوی اقدامات دولت یازدهم می‌کشاند. روحانی، سخن خود را در این بخش با ضمیر سوم شخص مفرد آغاز می‌کند. این امر او را به عنوان تنها کنش‌گر فعال در دوره دولت یازدهم نمایان می‌کند. این ضمیر او را در یک سمت و همه مخاطبانش را در سمت دیگر این گفت‌وگو قرار می‌دهد. کاربرد این چنینی ضمیر، که گوینده خود را به صورت سوم شخص مفرد خطاب قرار می‌دهد با هدف برجسته‌سازی ویژگی‌های مثبت خود در گفتمان صورت می‌گیرد. این رفتار با ضمیر از سوی روحانی با هدف توصیف کنش‌های او صورت می‌گیرد. روحانی دال‌های کانونی گفتمان خود را تکرار می‌کند تا به صورت ضمنی بر تداوم سیاست‌های خود دلالت نماید. او که در تبلیغات انتخابات ریاست جمهوری ۹۲ بر «غیاب امید، طراوت و شادابی» (Rezaeipanah & Shokati Moqarab, 2016, p. 100) تأکید داشت، این بار به حضور آن‌ها در چشم‌اندازهای خود اشاره می‌کند. روحانی پس از آنکه خود را در قالب سوم شخص مفرد از میان دیگران متمایز می‌سازد و خود را در جایگاه کنش‌گر برجسته می‌سازد. وی، هم از «یاران پرتلاش» نام می‌برد و هم همگان را به یاری می‌طلبد تا آن‌ها را با خود همراه سازد و به صورت ضمنی به نقش اثرگذارشان در پیش‌برد اهدافش اشاره نماید.

سخن پایانی روحانی (Rouhani, 2017)، او را دگرباره تنها کنش‌گر این فراگرد بازنمایی می‌کند؛ «خود را متعهد به برنامه اعلام شده‌ام و همه آن‌چه با شما مطرح کردم می‌دانم و با عزمی راسخ و با اطمینان به حمایت مستمر شما مردم عزیز در این مسیر گام برخوادم داشت و بر خود لازم می‌دانم از همه دست‌اندرکاران برگزار این انتخابات شکوه‌مند به‌ویژه شورای نگهبان،

وزارت کشور، استانداران، فرمانداران، بخشداران و همه نیروهای اجرایی و نظارتی، نیروهای نظامی و امنیتی، رسانه‌های جمعی تشکر ویژه نمایم و همت و مجاهدت آن‌ها را در محافظت از آرای مردم به بزرگی و سپاس یاد کنم (Rouhani, 2017)». آن‌چه این گفته به صورت ضمنی بیان می‌کند این است که او تنها کسی است که طرح برنامه کرده و اکنون نسبت به آن متعهد می‌شود. روحانی با سپاس‌گزاری از دست‌اندرکاران انتخابات و تأکید بر نگرهبانی از آرای مردم، درستی انتخابات را تأیید می‌کند تا به بحث‌های مطرح شده در این زمینه پایان بخشد.

### ۳.۲. دونالد ترامپ

ترامپ (Trump, 2017)، نامزد حزب جمهوری خواه، در نخستین سخنرانی خود فقط یک بار از ضمیر مفرد «من» استفاده می‌کند. آغاز سخنرانی او همراه کردن تمام مردم آمریکا را در پی دارد، چه این مردمان موافق او باشند و چه مخالف. او که نزدیک به ۴۰ بار از ضمیر جمع «ما» و شناسه‌های وابسته‌اش استفاده می‌کند، می‌گوید «ما مردم آمریکا دست به دست هم می‌دهیم تا در کارزاری ملی مسیر تاریخ آمریکا و جهان را برای سال‌های سال رقم بزنیم (همان)». او با استفاده از اصطلاح «دست به دست هم دادن» همگان را به یاری می‌طلبد و بر نقش کنش‌گرانه آنان تأکید می‌کند. ترامپ خود را بخشی از مردم و عضوی از یک تیم به تصویر می‌کشد؛ کسی که برای همه و با همه کار خواهد کرد. او انتخاب خود را به صورتی توصیف می‌کند که قرار است مسیر تاریخ آمریکا و جهان را تغییر دهد. او افزون بر همراه کردن میهن پرستانه تمام مردم آمریکا، اوپاما و همسرش را نیز مورد خطاب قرار می‌دهد: «از رئیس جمهور اوپاما و بانوی اول میشل اوپاما به‌خاطر کمک برای این روند انتقال قدرت تشکر می‌کنم (همان)».

ترامپ (Trump, 2017) پس از این گفته، گامی دگرسازانه برداشته بیان می‌کند «این مراسم یک معنای خاص دارد؛ زیرا تنها قدرت از یک دولت به دولتی دیگر یا از حزبی به حزبی دیگر منتقل نمی‌کنیم، بلکه قدرت را از واشنگتن دی‌سی به شما مردم واگذار می‌کنیم (همان)». این گفته به صورتی ضمنی بر این دلالت دارد که قدرت امری متمرکز بوده و در دست گروهی اندک قرار داشته اما اکنون گفتمان جدید در پی مردمی کردن آن است. او بر آن است تا به آن‌ها این امر را القا کند که این مراسم برای آن‌ها بوده و قرار است قدرت از نخبگان به مردم برسد. او به دنبال القای این مفهوم است که چون او مردم را درک می‌کند پس همان کاری که آن‌ها می‌خواهند را انجام خواهد داد. ترامپ به صورتی پیاپی به دنبال آن است تا نظر همه گروه‌ها و حزب‌های گوناگون را به سوی خود کشانده و مخالفان خود را چه در سطح مردمی و چه در سطح سیاسی

مورد توجه قرار دهد. ترامپ ضمیر «شما» را ۱۲ بار به کار می‌برد تا حس نزدیکی و صمیمیت را هرچه بیش‌تر در مخاطبانش برانگیزد «این مراسم متعلق به تمام کسانی است که امروز جمع شده‌اند. امروز روز شماس است. روز جشن شماس است، این ایالات متحده آمریکا کشور شماس است، آن‌چه که مهم است آن نیست که کدام حزب قدرت را در دست دارد بلکه مهم است که قدرت در دست مردم باشد (همان)». ترامپ بار دیگر از ابزار مردم‌گرایانه خود استفاده کرده توجه مردم آمریکا را به خود معطوف می‌سازد «امروز بیستم ژانویه ۲۰۱۷ در تاریخ ثبت خواهد شد چون روزی است که مردم آمریکا بر سرنوشت خود حاکم می‌شود (همان)». این گفته در قالب حضور و غیاب، بر غیاب حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش در طول گفتمان‌های پیشین دلالت کرده و شروع گفتمان خود را آغازگر حاکمیت مردم بر سرنوشت خود می‌داند. این دلالت ضمنی با گفتمان پیشین دگرسازی کرده و با این بیان تقویت می‌شود که «در قانون این جنبش ملی یک اعتقاد قوی وجود دارد مبنی بر وجود دولتی که می‌خواهد به مردم خود خدمت کند (همان)». این بیان نیز بر غیاب دولتی دلالت دارد که خدمت‌گذار مردم باشد. او دولت خود را خدمت‌گذار مردم می‌نامد و به این ترتیب با گفتمان‌های پیشین دگرسازی می‌کند.

روند دگرسازی ترامپ با گفتمان پیشین گام به گام گسترده‌تر شده و از اشاره به تمرکز قدرت و عدم حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش فراتر رفته به لایه‌های زیرین اجتماع می‌رسد «اما مادران و کودکانی که در شهرها دچار فقر شده‌اند، یک نظام آموزشی مملو از پول نقد که جوانان ما را از علم و دانش محروم کرده و در گرداب اعتیاد و مواد مخدر غرق کرده است». حضور فقر، نظام آموزشی ناکارآمد و ابتلای به اعتیاد در نتیجه سیاست‌های نادرست مواردی است که سخنان ترامپ به صورت آشکار بر آن‌ها دلالت می‌کند. او دگرسازی خود را به این صورت تداوم می‌بخشد که «این خرابی‌های آمریکا امروز به نقطه پایان خود می‌رسد». او این باور خود را دیکته می‌کند که مردم در نتیجه برخی سیاست‌ها آسیب‌دیده و این نخبگان بودند که برنده این جریان بودند. حضور خرابی‌ها در نتیجه سیاست‌های گفتمان پیشین به شکلی روشن، آن گفتمان را به حاشیه رانده و خود را به شکلی بازنمایی می‌کند که همه کاستی‌ها را پایان می‌دهد. «درد این ملت درد ما است و کامیابی این ملت کامیابی ما است. ما در سرنوشت این کشور سهیم هستیم این سوگند تعهد من نسبت به ملت است (Trump, 2017)». ترامپ با این بیان خود را در کنار همه مردم آمریکا قرار می‌دهد و خود را در سطحی بالاتر به آنان متعهد می‌داند.

غیاب ارتش تقویت‌شده به‌منظور پاسداری از مرزهای خود در قالب دلالتی روشن بیان می‌شود تا این فرایند دگرسازی با گفتمان پیشین پیشروی کند «و ما طی این سال‌ها ارتش‌های دیگر را

تقویت کردیم ولی نیروهای نظامی خودمان تضعیف شد، از مرز کشورهای دیگر محافظت کردیم اما حراست از مرزهای خودمان تضعیف شد (Trump, 2017)». ترامپ به صورت ضمنی بیان می‌کند که گفتمان پیشین گفتمانی بود که بیش از آن که به منافع ملی توجه کند، روابط خارجی خود را تقویت می‌کرد. ناکارآمدی‌های این گفتمان افزون بر وجه سیاسی، بعد اقتصادی را نیز شامل می‌شود به صورتی که ترامپ (Trump, 2017) می‌گوید: «کارخانه‌های ما یکی پس از دیگری تعطیل شدند بدون فکر به میلیون‌ها کارگری که بیکار شدند، همه این‌ها مربوط به گذشته است ولی ما امروز می‌خواهیم یک حکم جدیدی صادر کنیم که در هر شهر جهان و هر کانون قدرت شنیده شود (همان)». ترامپ، با این گفته هم به حاشیه‌رانی دگرگفتمانی‌اش می‌پردازد که همان دولت اوباما است و هم خود را برجسته‌سازی می‌کند. او از یک سو به تعطیل شدن کارخانه‌ها و بیکاری کارگران اشاره می‌کند و از سوی دیگر خود را برنامه‌ریز سیاستی معرفی می‌کند که به گوش جهانیان خواهد رسید. اینکه «حرف اول را آمریکا خواهد زد، حق تقدم با آمریکاست (همان)» بر غیاب برتری آمریکا در جهان و نبود تقدم آن دلالت دارد. او به صورت ضمنی غیریت‌سازی کرده و بیان می‌کند که او کسی است که این اقدام را در آینده انجام خواهد داد.

«هر تصمیمی در مورد تجارت، مالیات، روابط خارجی به نفع کارگران آمریکایی و خانواده‌های آنان اتخاذ خواهد شد (Trump, 2017)». این گفته بر غیاب توجه به مسائل اقتصادی، مالی، روابط خارجی و منافع کارگران آمریکایی و خانواده‌های آنان تأکید دارد و به صورت ضمنی هم به دگرنمایی منفی و هم خویش‌نمایی مثبت خود می‌پردازد. دگرگفتمانی ترامپ در قالبی بازنمایی می‌شود که در جهت تحقق اهداف خویش، از منافع ایالات متحده چشم‌پوشی می‌کند. همچنین، ترامپ با رویکرد منجی‌گرایانه خود برای بازگرداندن ارزش‌های ازدست‌رفته آمده‌است «تا جان در بدن دارم برای شما مبارزه خواهیم کرد، آمریکا بار دیگر پیروز و برنده خواهد شد، ما مرزهای خود را بازخواهیم گرداند، ثروت خود، رویاهای خود را بازخواهیم گرداند (همان)». در این بیان، از واژه «مبارزه» استفاده می‌شود تا به صورت ضمنی به موانع موجود اشاره گردد. از سوی دیگر اصطلاح «بار دیگر» به کار می‌رود تا افزون بر دگرسازی، این مسأله بیان شود که دگرهای این گفتمان موجب شکست، از دست رفتن مرزها، ثروت و رویاهای آمریکا شده‌است. تأکید بر غیاب این ارزش‌ها با ارائه راهکارهایی ادامه پیدا می‌کند که با نگاه میهن‌پرستانه تقویت می‌شود «ما راه‌ها، فرودگاه‌ها، تونل‌ها و راه‌آهن‌های جدید خواهیم ساخت. ما از دو قاعده خیلی ساده حمایت خواهیم کرد؛ آمریکایی بخرید و تنها آمریکایی استفاده کنید (همان)». خرید آمریکایی و استخدام آمریکایی با رویکردهای ترامپ نسبت به مهاجران، مرزسازی و منع ورود برخی از مهاجران پیوند بینامتنی برقرار می‌کند.

اشاره به حقوق کشورها برای پاسداری از منافع‌های خویش، بازنمایی ایالات متحده به الگویی در سراسر جهان، پیشگامی در مسیر پایه‌ریزی اتحاد‌های جدید برای از میان برداشتن تروریسم و افراطی‌گری و کاربست ابزارهای دینی در جهت اهداف مسالمت‌جویانه، مواردی‌اند که ترامپ برای خویش‌نمایی مثبت خویش به کار می‌بندد:

حق تمام کشورهاست که منافع خود را در اولویت قرار دهند. ما سبک زندگی خود را در سراسر جهان الگو قرار خواهیم داد. اتحاد‌های جدید را پایه‌ریزی می‌کنیم، ایجاد تمدن‌های جدید علیه تروریسم اسلامی افراط‌گرا. انجیل به ما می‌گوید که چقدر زیبا و دل‌پذیر است که به‌طور مسالمت‌آمیز متحد باشند و وقتی آمریکا متحد باشد، غیرقابل شکست خواهد بود، هیچ‌گونه ترسی نباید وجود داشته باشد (Trump, 2017).

ترامپ دگرسازی خود را به این سطح می‌رساند که می‌گوید «زمان سخنان تو خالی تمام شده و وقت عمل فرارسیده است (همان)». بی‌ادبی کلامی به منظور برجسته‌سازی مثبت خود امری است که در این گفتار رخ می‌دهد؛ دگرگفتمانی ترامپ سخنانی تو خالی داشته و اکنون وقت عمل است. این فرایند حضور و غیاب عناصر و مؤلفه‌های مثبت و منفی و غیریت‌سازی به صورتی رخ می‌دهد که به شکلی عینی نامی از فرد یا گفتمان خاصی به میان نمی‌آید. ترامپ بیش از آن‌که آشنما را از دگرهای خود نام‌برد بر غیاب آن‌چه که در نظر او پیش‌برنده سیاست‌های ایالات متحده است، تأکید می‌کند. او می‌گوید «به هیچ‌کس اجازه ندهید که به شما بگویند این غیرممکن است. کشور ما رشد خواهد کرد و به تعالی خواهد رسید و ما جهان را از شر بیماری خواهیم رهانید (همان)». حضور افرادی که غیرممکن‌ها را تقویت می‌کنند، غیاب رشد و تعالی و حضور نارسایی‌ها همگی بر این روند دگرسازانه دلالت دارند.

ترامپ (Trump, 2017)، در بعد دیگر سخنان خود از روال دگرسازانه فاصله گرفته و به سمت و سوی رویکردهای میهن‌پرستانه پیش می‌رود «به یاد خواهیم داشت که چه سیاه‌پوست و چه سفیدپوست، همه ما همان خونی را در رگ‌های خود داریم که یک وطن‌پرست در رگ‌های خود دارد. غرور ملی ما بر زخم‌های تفرقه مرهم خواهد گذاشت (Trump, 2017)». کنار هم قراردادن سفیدپوستان و سیاه‌پوستان بر نبود رویکردهای نژادپرستانه در این گفتمان دلالت دارد. از سوی دیگر، مؤلفه غرور ملی به میان می‌آید تا جنبشی میهن‌پرستانه را تحریک کرده و بر نگاه‌های تفرقه‌انگیزانه پوشش بگذارد. او در سخنان پایانی خود بازگشتی به سوی تمام مردم آمریکا داشته و بار دیگر آن‌ها را با خود همراه می‌کند. «به تمام آمریکاییان در تمام شهرهای کوچک می‌گویم که شما هرگز فراموش نخواهید شد، صدای شما، امیدها و رویاهای شما راهنمای ما در رقم زدن



سرنوشت آمریکایی ما خواهید بود، شجاعت شما همواره ما را رهنمون خواهد کرد (همان)». او تمام اقشار را فرامی‌خواند و بر نقش آن‌ها به عنوان افرادی یاد می‌کند که راهنمای تحقق آرمان‌ها و سازنده سرنوشت و تاریخ ایالات متحده هستند. به واقع، او خود را در جایگاه کنش‌پذیر قرار می‌دهد و اقشار مختلف ایالات متحده را کنش‌گری می‌نامد که نقشی تعیین‌کننده در سرنوشت خود دارند.

ترامپ (Trump, 2017)، در گفته پایانی خود «ما دوباره آمریکا را ثروتمند و امن خواهیم کرد و عظمت را به آمریکا بازخواهیم گرداند. خداوند شما را برکت دهد (Trump, 2017)» به صورتی آشکار به نبود ثروت، غرور، عظمت و امنیتی اشاره می‌کند که در قالب یاری جمعی باز خواهد گشت. او عنصر دینی را بار دیگر مورد اشاره قرار می‌دهد تا به صورت ضمنی بر وجود چنین مؤلفه‌ای در گفتمان خود دلالت کرده و افرادی از این گروه را نیز مورد توجه قرار دهد. از دیدگاه ترامپ از آن‌جا که سیاست‌مدارن نمی‌دانند چگونه مدیریت کنند، مردم نیز دیگر نمی‌توانند چشم‌اندازی از آینده خود داشته باشند. او به دنبال بیدار کردن این حس در مردم است که تنها یک نفر قابلیت بهبود اوضاع آنان را دارد. او خود را گوش شنوای کسانی معرفی می‌کند که تا به امروز مورد چشم‌پوشی واقع می‌شدند. ترامپ همه آمریکایی‌ها را فرامی‌خواند که کنار هم جمع شده و متحد شوند. او در واقع حس ناسیونالیسم و میهن‌پرستی را با هم‌دیگر در آنان تحریک می‌کند. ترامپ توانست به بیشتر آمریکایی‌ها القا کند که او جانب آن‌ها را دارد. این تحلیل نشان می‌دهد که او با کاربست ابزارهای زبانی هویتی می‌سازد که از یک سو ضد نظام حاکم و از سوی دیگر هوادار شهروندان آمریکایی است. این امر با دربرگیری‌ها و حاشیه‌رانی‌هایی رخ می‌دهد که شکل برجسته‌ای در کلام او بازنمایی می‌شود.

### ۳.۳. امانوئل مکرون

امانوئل مکرون (Macron, 2017)، در سخنان روز تحلیف خود گفت «فرانسویان در روز ۷ ماه می امید را انتخاب کردند و مسئولیتی که آن‌ها بر عهده من قرار دادند، افتخاری بزرگ برای من است (Macron, 2017)». او پیش از هر چیزی انتخاب خود را هم‌راستای امید قرار می‌دهد و در قالب حضور و غیاب، بر غیاب امید تا پیش از انتخاب خود اشاره می‌کند. «فرانسویان» و «آن‌ها» به‌عنوان افرادی که در مدار دیگری قرار دارند به‌عنوان برون‌گروه مثبتی معرفی می‌شوند که دست به این انتخاب زده‌اند. «جهان و اروپا بیش‌تر از هر زمان دیگری به فرانسه نیاز دارد (همان)». این گفتار به غیاب همکاری‌ها و حضور فعال فرانسه چه در سطح اروپا و چه در سطح جهان اشاره دارد. اروپا در کانون گفتمان مکرون قرار داشته و در زنجیره هم‌ارزی او قرار می‌گیرد. مکرون به صورت

ضمنی به ظرفیت‌هایی اشاره می‌کند که در فرانسه وجود داشته اما سطوح فراتر از این قلمرو چه در اروپا و چه در جهان در طول دوران گفتمان پیشین از آن بی‌بهره مانده‌اند. از نگاهی دیگر، این بیان با گفتمان پیشین دگرسازی می‌کند و این امر را با برجسته‌سازی کاستی‌های آن بیان می‌نماید. مکرون «فرانسه» را به مثابه نیازی برای جهان و اروپا به تصویر می‌کشد تا به این صورت اثرگذاری فرانسه را برجسته سازد.

مکرون (Macron, 2017) پس از غیریت‌سازی و حاشیه‌رانی دگرهای گفتمانی‌اش از راه برجسته‌سازی ویژگی‌های منفی آن‌ها، در گام پسین به برجسته‌سازی اقدامات مثبت خود می‌پردازد «از هیچ‌یک از تعهدات مان دست نمی‌کشیم (Macron, 2017)». تأکید بر برآوردن یک‌یک تعهدات این گفتمان از یک سو، و دست‌نکشیدن از سوی دیگر در جهت برجسته‌سازی این گفتمان ادا می‌شود. این گفته که به دست‌نکشیدن از تعهدات اشاره دارد به صورت ضمنی بر وجود موانع ممکن در این میان دلالت دارد. مکرون بر آن است تا در هر جهت با این موانع رویارو شده و به تعهدات خود پاسخ دهد. مکرون (Macron, 2017) می‌گوید: «برای بازگشت دموکراسی به کشور حداکثر تلاش خود را خواهم کرد (همان)». دموکراسی عنصر غایب دیگری است که فعال‌سازی حضور آن نیاز به تلاش دارد. مکرون در قالب حضور و غیاب، نبود دموکراسی را برجسته می‌سازد و خود را به صورت یک منجی معرفی می‌کند؛ اینکه یک مقام سیاسی تلاش می‌کند تا امری محقق شود که به صورت ضمنی بر وجود موانع بازدارنده‌ای در این میان دلالت دارد.

در این سخنرانی کوتاه، برای بار دوم عنصر «امید» برجسته می‌شود «فرانسوی‌ها راه امید و پیروزی را انتخاب کردند و من هیچ‌گاه از این مسیر کوتاه نمی‌آیم (Macron, 2017)». در این بیان، نیز بار دیگر رویارویی با موانع موجود مورد تأکید قرار می‌گیرد. در این گفته، «فرانسوی‌ها» در یک سو قرار می‌گیرند که کسی را انتخاب کرده‌اند تا نقش منجی آن‌ها را بازی کند. چرا که می‌گوید «من هیچ‌گاه از این مسیر کوتاه نمی‌آیم (همان)». ضمیر «من» بیانگر آن است که فرانسوی‌ها انتخاب خود را انجام داده و از این پس این مکرون است که به تنهایی سکان اداره کشور را در دست خواهد گرفت. او در جمله‌ای دیگر نیز با ضمیر مفرد تأکید می‌کند که «کاری می‌کنم مردم فرانسه به این باور برسند که قدرت کشورشان در حال افول نیست (همان)». در یک سو مکرون در قالب کنش‌گر و در سوی دیگر مردم فرانسه به صورت کنش‌پذیر بازنمایی می‌شوند. همراه نکردن مردم فرانسه با خود امری است که به صورت ضمنی از این بیان برگرفته می‌شود. چرا که او می‌گوید «کاری می‌کنم...»؛ کسی که قرار است کاری انجام دهد فقط مکرون

است نه کسانی که با او همراهی کرده، به او رأی داده یا در سطحی دیگر شهروند این کشور هستند. او به روشنی قدرت در حال نابودی را بیان می‌کند و قرار است با اقدامات خود از نابودی این قدرت پیش‌گیری کند. این گفته با غیریت‌سازی ضمنی خود با دگرگفتمانی‌اش، گفتمان پیشین را به حاشیه می‌راند و آن را منفی‌سازی می‌کند؛ دگرگفتمانی مکرون کنش‌گری است که قدرت فرانسه را به سوی لبه پرتگاه پیش می‌برد. در این بیان نیز مکرون خود را یگانه رهایی‌بخش فرانسه می‌داند که آمده‌است تا کنش‌گر بازدارنده افول این قدرت باشد و امید از دست رفته مردم فرانسه را به آن‌ها بازگرداند.

رئیس‌جمهور منتخب فرانسه می‌گوید «ما در آستانه یک رنسانس بزرگ هستیم» (Macron, 2017). مکرون پس از آنکه خود را تنها کنش‌گر این فراگرد انتخاباتی معرفی می‌کند، جمع را با خود همراه کرده و از ضمیر جمع «ما» استفاده می‌کند. او همچنین بر رخداد رنسانسی دیگر در فرانسه تأکید می‌کند؛ رنسانسی که اکنون باید رخ دهد تا برآیندهای ناخوشایند گفتمان پیشین را کنار زده و تحولی بنیادین را در تاریخ فرانسه رقم بزند. مؤلفه دیگری که در این سخنرانی برجسته می‌شود مسئله تروریسم و حمایت از آزادی و حقوق بشر است «برای رویارویی با تروریسم تلاش می‌کنم و به حمایت از آزادی و حقوق بشر ادامه خواهم داد (همان)». این بار نیز مکرون تنها کنش‌گری است که با تروریسم رو در رو می‌شود. از سوی دیگر، او حمایت از آزادی و حقوق بشر را ادامه خواهد داد؛ این کنش‌گر به تنهایی ادامه‌دهنده رویکردهای گفتمان پیشین در جهت حمایت از آزادی و حقوق بشر است. در واقع، این بیان تنها جایی است که بر ویژگی مثبت دگرگفتمانی تأکید می‌شود؛ دگری که پشتیبان آزادی و حقوق بشر است و نمی‌توان از این اقدام او چشم‌پوشید.

او در جایی دیگر می‌گوید «نیازمند اروپایی فعال‌تر و سیاستمدارتر هستیم» (Macron, 2017). این گفته بر غیاب اروپایی فعال و سیاست‌مدار به معنای واقعی دلالت دارد و آن‌چه که نیاز آن احساس می‌شود اروپایی است که فعالانه‌تر و سیاست‌مدارتر عمل می‌کند. نقد مکرون از هدف قراردادن گفتمان پیشین فراتر رفته و در سطحی فراتر اروپا را مورد هدف قرار می‌دهد. آن‌چه که در پایان این سخنرانی بیان می‌شود تلاش برای آینده‌ای بهتر است. «باید برای آینده‌ای بهتر بکوشیم (همان)؛ کوششی جمعی که لزوم آن در قالب غیاب چنین تلاشی تا به امروز مورد تأکید قرار می‌گیرد.» «باید...» این بایستگی با هدف تأکید بر تغییر وضع موجود بیان می‌شود و تلاشی را برجسته می‌سازد که همراهی جمعی را می‌طلبد. بیان «بهتر» نیز صورت دگرسازانه‌ای دارد که بیان می‌کند این تلاش‌ها تا به امروز کافی نبوده و باید بیش‌تر شود تا از «خوب بودن» به «بهتر شدن» برسد.

آن گونه که از سخنان مکرون برگرفته می شود «اروپا»، «فرانسه (فرانسوی ها)»، «ما» و «تغییر» مفاهیمی کلیدی است. آغاز سخن به اروپا و جهان اشاره دارد؛ این امر استقبال فرانسه از تعامل هر چه بیش تر در برون مرزها را نشان می دهد. او دگرهای گفتمانی اش را در قالب برجسته سازی کاستی ها منفی سازی می کند و با تأکید بر برنامه های آینده خود، برجسته سازی مثبت خویش را شکل می دهد.

### ۳.۴. تحلیل تطبیقی داده ها

تجزیه و تحلیل داده ها بیانگر آن است که هر سه رئیس جمهور بر خلاف بافت متفاوتی که در آن قرار دارند، وجوه مشترکی در کاربست راهبردهای زبانی در سطح ساختار کلان دارند. یافته ها سه ساختار کلان را پیش رو قرار می دهد که از این قرارند:

نخستین ساختار کلان ضمایر است. آن چه در این سه سخنرانی مورد توجه است، نوع کاربست ضمایر مفرد و جمع از سوی روسای جمهور تازه انتخاب شده است. ضمایر «من» و «ما» و گونه های وابسته شان به عنوان راهبردهایی برای ابراز ایدئولوژی های سیاسی و به ویژه منطبق دربرگیری و برون رانی یا ارجاع به خود و دیگری به کار رفته است. ضمیر اول شخص مفرد «من» در این سه گفتمان آگاهانه، تأکیدی و تخصیصی است و سرشت این ضمیر متوجه کردن مسئولیت قول ها و وعده ها به سوی خویش است. در واقع ضمیر اول شخص مفرد، در جهت برجسته سازی مثبت خود و قرار گرفتن در راس هرم انجام می گیرد. این در حالی است که ضمیر جمع «ما» برای همراه کردن تمام احزاب، گروه ها و افراد استفاده می شد. ضمیر جمع «ما» به کار می رود تا مخاطبان را در ارتباط تنگاتنگی با دولت خود قرار داده، به آنان حس وابستگی ببخشد و اجرای سیاست ها را مسئولیتی جمعی بداند. در این داده ها، مکرون بیش از دو رئیس جمهور دیگر از ضمیر «من» استفاده کرده و نقش کنش گرانه خود را برجسته می سازد و ترامپ در کاربرد ضمیر «ما» درصد بیش تری را به خود اختصاص می دهد. این امر در سخنان روحانی شکل میانه تری به خود می گیرد، به صورتی که برقراری رابطه با مخاطبان در قالب ضمیر «شما» هم راستای ضمیر «ما» پیش می رود.

دومین ساختار کلان «محتوای سخنان» است؛ تحلیل ها نشان گر موضوع های متفاوتی بود که در هر بافتی اهمیت ویژه خود را دارد. محتوای هر کدام از سخنرانی ها بر وعده های انتخاباتی هر کدام از منتخبان دلالت دارد. موضوع های تکرارشونده ای که در این تحلیل ها دیده شد به مثابه سیاست گذاری هایی است که آگاهانه در جهت ترغیب مخاطبان و ایجاد امید برای آینده ای بهتر در دولت ساخته می شود. این موضوع ها در سه سخنرانی هم پوشانی دارد که بیان گر نیازها و مسائل مشترک در بافت های مختلف است. نقشه راهی که هر کدام ترسیم می کند هم به دولت پیشین شان

اشاره دارد و هم آینده امیدبخش را به تصویر می‌کشد. در سه پیکره واکاوی‌شده، روحانی سیاست‌های خود را برجسته می‌سازد و به آن‌چه تاکنون انجام داده اشاره می‌کند. او زنجیره هم‌ارزی خود را تبیین می‌کند و حاشیه‌رانی دگرهای منفی خود را به صورتی ضمنی انجام می‌دهد. ترامپ و مکرون که برای نخستین بار در این جایگاه قرار می‌گیرند بیش‌تر بر آن‌چه که انجام خواهند داد و آن‌چه در این میان مورد چشم‌پوشی واقع شده تأکید می‌کنند. دگرگفتمانی این دو نیز به صورت ضمنی بیان می‌شود و همانند روحانی دگرسازی آشکاری رخ نمی‌دهد. هر سه امید را به ارمغان آورده‌اند، برآند تا با تروریسم مبارزه کنند و خود را در سطح جهان مطرح نمایند. زنجیره هم‌ارزی روحانی آشکارا تبیین می‌شود اما ترامپ و مکرون چنین زنجیره‌ای را ترسیم نمی‌کنند.

سومین ساختار کلان که وجه مشترک این سه سخنرانی بود «سخنان آغازی و پایانی آن‌ها» بود؛ قدردانی و سپاس‌گزاری در سخنان آغازین و بر پایبندماندن به تعهدات خود در سخنان پایانی وجه مشترک این سه سخنرانی بود. تأکید بر مسائل ضروری بیان شده در بدنه سخنرانی‌ها از راه بیان دگرباره آن‌ها در پیکره‌های مورد بررسی به چشم می‌خورد. فراخواندن همگان برای دست به دست هم دادن و برقراری اتحاد میان آنان در مطالب پایانی برجسته می‌شود.

#### ۴. نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به بررسی راهبردهای گفتمانی در نخستین سخنرانی روسای جمهور سه کشور جمهوری اسلامی ایران، ایالات متحده آمریکا و فرانسه پس از برپایی انتخابات ریاست جمهوری پرداخت. تجزیه و تحلیل داده‌ها با کاربست تحلیل انتقادی گفتمان در دو سطح خرد و کلان انجام شد. برآیند تحلیل‌های صورت گرفته در سطوح کلان در بردارنده پیام‌های اغواگری بود که به مخاطبان القا شد تا اندیشه‌ها، باورها و رویکردهای آنان را تحت تأثیر قرار دهد. در سطح نخست، تلاش بر این بود که نشان دهیم هنگامی که سیاست‌مداران از ضمائر استفاده می‌کنند آن‌ها را فقط به‌عنوان اشاری‌های شخصی یا ضمائر ارجاعی به کار نمی‌برند. بلکه این امر در جهت قراردادن خود و دیگری در دامنه منفعت‌های سیاسی و اجتماع‌های خود و دیگری است. همچنین، ضمائر به کاررفته در جهت نمایه‌سازی خود (مانند «من» و مشتقات وابسته آن) فقط برای هم‌ترازی با واقعیت‌های ایجابی دستاوردها، فروتنی و یک‌پارچگی فردی استفاده شده تا بدین ترتیب پذیرش سیاسی را به همراه آورد. از سوی دیگر، «ما» و مشتقاتش ابعادی چندوجهی و گروه‌هایی را ایجاد می‌کند که همگی به خدمت هدف‌های سیاسی در می‌آید. هر کدام از سه رئیس جمهور مورد بررسی تلاش می‌کند تا این ضمیر را به کار برد تا اعتماد متقابل را شکل داده و این باور را در آنان

به وجود آورد که همگی سرنوشت مشترکی را برای هم‌دیگر رقم خواهند زد. سوی دیگر این کاربست ضمایر استفاده از «شما» است؛ ضمیری که نزدیکی شخصی و پیوند با مخاطب را بازتاب می‌دهد. در این سخنان نیز «شما» برای هرچه نزدیک‌تر شدن به مخاطبان و القای حس دوستی شکل برجسته‌تری به خود می‌گیرد.

جنبه دیگر تحلیل‌های انجام شده، واقعیت‌های ایدئولوژیکی است که در پس هر گفتمانی وجود دارد. در واقع، در بافتار ایدئولوژیکی که هریک از گفتمان‌ها بازتولید کرده‌است، خود و دیگری به گونه‌ای ویژه مطرح شده و مرزهای هر گفتمان را به گونه‌ای ایجابی و سلبی نمایان می‌سازد. در مقام پاسخ به پرسش پژوهش این نتیجه به دست می‌آید که هر گفتمانی با بازنمایی اندیشه خود در قالب ساختارهای زبانی و بر مبنای رویکردهای ارزشی خود زبان را به سمت و سوی هدایت می‌کند که بازتابی از ایدئولوژی و گفتمان پنهان آن باشد.

در سطح دیگر تحلیل‌های انجام شده، چگونگی مشروعیت‌یابی هریک از گفتمان‌ها تبیین می‌شود. دو عنصر بنیادینی که می‌توان در این زمینه به آن‌ها اشاره کرد طبقه‌های اجتماعی و دین است. هنگامی که ضمیر جمع «ما» به کار می‌رود رئیس و مرئوس را روی یک جایگاه قرار می‌دهد؛ این به آن معناست که کردارهای فرهنگی-اجتماعی تعلق و وابستگی و بی‌طبقگی اجتماعی مورد تأکید واقع می‌شوند. همچنین، هم‌راستایی اجتماعی با توده‌ها به این معناست که سطوح اجتماعی واقعی آن‌ها پنهان می‌شود.

پهنه سیاست اغلب از نگاه تحلیل گفتمانی پژوهش‌گران و اساتید حوزه علوم سیاسی و اجتماعی واکاوی شده و زبان‌شناسان به نسبت کم‌تری در این زمینه گام برداشته‌اند. بر این مبنای پیشنهاد می‌شود تولیدات گوناگون بیانی، نوشتاری، تصویری و موارد مشابه این حوزه با نگاه زبان‌شناسانه‌ای مورد بررسی قرار گیرد تا نقش زبان در پیش‌روی سیاست‌های گوناگون تبیین گردد. همچنین، این پژوهش نگاه زبان‌شناسانه خود را به نخستین سخنرانی‌های پس از انتخابات محدود کرد. بررسی این حوزه بر مبنای یک سیر تاریخی، در طول دورانی که چنین سخنرانی‌هایی عرضه شد می‌تواند چگونگی مرزگذاری‌های خود و دیگری را در طول بازه‌ای از زمان نمایان سازد.

## فهرست منابع

اسدی، ناصر و امیر رضائی‌پناه (۱۳۹۲) «مبانی تقسیم‌بندی نظام بین‌الملل و هم‌گرایی‌ها و واگرایی‌های آن در گفتمان تعامل‌گرایی ضدنظام‌سلطه». *پژوهش‌های سیاسی جهان/اسلام*. سال ۳. شماره ۱. صص

اسدی، هما و فرهاد ساسانی (۱۳۹۶) «غیریت‌سازی در گفتمان سیاست خارجی محمدرضا پهلوی». *زبان پژوهی*. سال ۹. شماره ۲۲. صص ۷-۲۴.

تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۴) *روایت غیریت و هویت در میان ایرانیان*. تهران: فرهنگ گفتمان.

رضائی پناه، امیر و سمیه شوکتی مقرب (۱۳۹۵) *تحلیل گفتمان سیاسی؛ امر سیاسی به مثابه یک برساخت گفتمانی*. تهران: تپسا.

رضائی پناه، امیر و سمیه شوکتی مقرب (۱۳۹۴) *هویت، گفتمان و انتخابات در ایران؛ مبانی ایدئولوژیک انتخابات ۱۳۹۲*. تهران: نویسه.

روحانی، حسن (۱۳۹۶)، رئیس جمهوری با مردم سخن گفت. روزنامه شرق. شماره ۲۸۶۹.

Retrieved from <<http://sharghdaily.com>>

## References

- Allen, G. (2011). *Intertextuality* (2<sup>nd</sup> ed.). London: Routledge.
- Asadi, H., & Sasani, F. (2017). Otherization in the foreign policy discourse of Mohammad Reza Pahlavi. *Zabanpazhuhi*, 9(22), 7-24 [In Persian].
- Asadi, N., & Rezaeipناه, A. (2013). The basics of the international system division and its convergence and divergence in the interactionism discourse against the dominating system. *Quarterly Journal of Political Research in Islamic World*, 3(1), 1-27 [In Persian].
- Barthes, R. (1977). *Elements of semiology* (A. Lavers & C. Smith, Trans.). New York: Hill and Wang.
- Bennington, G., & Derrida, J. (1999). *Jacques Derrida*. Chicago: University of Chicago.
- Derrida, J. (1978). *Writing and difference* (A. Bass, Trans.). London: Rutledge.
- Fairclough, N. (1992). *Discourse and social change*. Cambridge: Polity Press.
- Hart, Ch. (2011). *Critical discourse studies in context and cognition*. Philadelphia: John Benjamins.
- Herzog, B. (2016). *Discourse analysis as social critique- discursive and non-discursive realities in critical social research*. London: Palgrave Macmillan UK.
- Koussouhon, L., & Allagbe, A. (2013). The lexicogrammar of chimamanda Ngozi Adichie's fiction: a systemic functional contribution. *Langage & Devenir*, 22, 19-44.
- Laclau, E., & Mouffe, Ch. (2001). *Hegemony and socialist strategy* (2<sup>nd</sup> ed.). New York and London: Verso.
- Laclau, E., & Mouffe, Ch. (2014). *Hegemony and socialist strategy, towards a radical democratic politics*. London: Verso.
- Liu, F. (2012). Genre analysis of American presidential inaugural speech. *Theory and Practice in Language Studies*, 2(11), 2407-2411.
- Macron, Emanuel (2017). Full transcript of Emmanuel Macron speech. BBC. Retrieved from <[Newswww.bbc.com/news/world-europe-39842084](http://Newswww.bbc.com/news/world-europe-39842084)>
- Mouffe, Ch. (2000). *The democratic paradox*. London and New York: Verso.
- Norris, S. (2011). *Identity in (inter)action; introducing multimodal (inter)action analysis*. Germany: De Gruyter Mouton.
- Randal Strock, I. (2017). *The complete book of presidential inaugural speeches, from George Washington to Donald Trump*. New York: Gray Rabbit Publications, LLC.
- Rezaeipناه, A., & Shokati Moqarab, S. (2016). *Identity, discourse and elections in Iran; the ideological bases of the 2013 elections*. Tehran: Neveeseh Parsi [In Persian].
- Rezaeipناه, A., & Shokati Moqarab, S. (2017). Political discourse analysis (the political as a discursive construction). Tehran: Teesa [In Persian].

- Rohani, Hassan (2017). The president talks to the Iranian people. Shargh Newspaper, No. 2869. Retrieved from <<http://sharghdaily.com>> [In Persian]
- Sahragard, R., & Moghadam, M. (2015). Moving in a Gyre: a discourse analysis of president Rouhani's De Facto Inaugural speech. *Studies in English Language Teaching*, 3(3), 237-251.
- Tajik, M. R. (2004). The narrative of identity and otherness among Iranians. Tehran: Farhang-e Gofman [In Persian].
- Van Leeuwen, T. (1996). The representation of social actors. In C. R. Caldas-Coulthard & M. Coulthard (Eds.), *Text and practice* (pp. 32-70). London and New York: Routledge.





## **Representing Identity and Otherness in the First Inaugural Speech of the Elected Presidents: Case Study of the Elections of Iran, USA, and France**

**Somaye Shokati Moqarab<sup>1</sup>**  
**Jalal Rahimian<sup>2</sup>**

Received: 09/09/2017

Accepted: 15/04/2018

### **Abstract**

In a linguistic analysis, different levels such as words, sentences, textual structures, combinations etc. interact with each other and make the bases, principles and the context of a thought and an ideology. In fact, ideology lets any thought and approach to draw its identity-based and other-making borders with its antagonists. Power construction and social context interact with each other in the political elections. In this arena, the political elites represent their discourse in a manner leading to grasping the utmost votes. Therefore, in this rivalry, besides legitimizing their ideology, these elites delegitimize their antagonists. Besides, what is presented before the elections, what the candidates utter in their inaugural speeches is somehow a different material. What is uttered in the inaugural speech generally contains all the political currents, parties, groups and thoughts. In this era other-makings is articulated through a hidden discourse. It seems that elections provide a ground in which power and hegemony get integrated in a peaceful manner. Therefore, it is important to find the reason of the supremacy of an ideology and the failure of the other.

In the years 2016 to 2017, three presidential elections were held in the Islamic Republic of Iran, the United States of America and France. Iran elections were held on May 19<sup>th</sup>, 2017 and Hassan Rouhani was re-elected for a second term. The United States presidential election of 2016 was held on November 8<sup>th</sup> and Donald Trump won the White House. The presidential election of France was held on May 7<sup>th</sup>, 2017 in which Emmanuel Macron was elected. In this study, by considering the context-based situation of each discourse, the authors investigate how identity making, representing self and others and different social actors is formulated throughout these political events.

---

<sup>1</sup> PhD Student of General Linguistics, Shiraz University, (Corresponding Author); [s.shokati@shirazu.ac.ir](mailto:s.shokati@shirazu.ac.ir)

<sup>2</sup> Professor of General Linguistics, Shiraz University; [jrahimian@rose.shirazu.ac.ir](mailto:jrahimian@rose.shirazu.ac.ir)

There are many questions asked regarding what happens throughout the elections period. How can language-use foreground a discourse and let it gain its expected results? How does the hegemon discourse attract all the groups and parties? What is the role of linguistic mechanisms? However, this investigation is about to answer the question that “how are the identity-based borders of producing and reproducing authority represented in the first inaugural speech of the elected presidents after the elections?” This analysis is done in the micro and macro levels. The study’s hypothesis is that “the elected candidates in the presidential elections of Iran, the US and France have based their semiotic system on the articulation of their maximal positive identity and defining a minimal other-making circle (maximal inclusion and minimal exclusion)”.

The corpus of this study is composed of three inaugural addresses of the three case discourses. Their usage of different pronouns, the manner they address their audience and their high frequency references is part of the analysis and the manner they represent their identity is another part. Therefore, the study’s theoretical framework has two main levels, a micro and a macro one. The micro level investigates the linguistic strategies each president applies and the macro one is found through critical discourse analysis (CDA). So, the framework is based on a combination of Ernesto Laclau and Chantal Mouffe’s discursive theory and some ideas obtained from Roland Barthes and Jacques Derrida. As a result, firstly, the linguistic mechanisms are analyzed through the implicit and explicit implication of Barthes and the presence and absence ideas of Derrida. Then, other factors like self and other, other-making, foregrounding and backgrounding, chain of equivalence and logic of difference in each of the speeches is analyzed. As the interdisciplinary studies like this one are based on a two-level method, they can provide an appropriate ground for understanding the linguistic trends, processes and structures that have a special importance in policy-making.

The data analysis proves that the three analyzed discourses, despite their different contexts, have common grounds in the application of the linguistic mechanisms. The findings present us three macro-structures the first one of which is “the pronouns”. Using the pronouns “I” and “we” is a strategy for the ideological representations and the political inclusions and exclusions. In fact, the first person singular pronoun is used for foregrounding the self and displaying the positive side and the plural one gathers all the parties and thoughts together. The second macro-structure is the “speech content”. The analyses reveal different topics each having their special importance in the related context. The repeated issues are some strategies that are consciously used to encourage the audience and create hope for a better future by the help of the government. This is a repeated subject in all the analyzed speeches. The third macro-structure is the opening and closing remarks containing appreciation in the beginning part and the commitment to compliance in their closing part.

Another point is that the findings prove that the chain of equivalence and the identity-maker one is evidently described in Rouhani’s speech. Furthermore, backgrounding the negative others of Rouhani’s discourse is done implicitly. On the other hand, while the discursive others of Trump and Macron are implicitly represented, they do not have an evidently drawn chain of equivalence. In each of the studied discourses, a kind of ideological reality is hidden. In other words, the ideological context reproduced by each discourse represents self and other in a

special way that outlines the borders of each discourse positively and negatively. This kind of representation in each discourse describes how each one is legitimized.

As politics has mostly been studied from a social and political lens, and linguists have had fewer productions in this field, it is recommended that linguists apply their specialized view in this domain and prove how language can affect politics. As this study demonstrates, linguistic mechanisms help the candidates have an effective representation of their identity, legitimize themselves, delegitimize their others, and finally win the votes.

**Keywords:** Critical Discourse Analysis (CDA), Self and other, Foregrounding and backgrounding, Presidential Inaugural Speeches, Iran, USA, France

